

طعم آسمان



■ خاطرات کودکی
دختری فلسطینی
■ ناشر: شرکت
اندیشه‌ورزان آریا
■ نویسنده:
ابتسام برکات
■ مترجم:
فاطمه باغستانی

برکات نویسنده، شاعر و استاد دانشگاه فلسطینی در این کتاب دوران کودکی خود از جنگ ۶ روزه اسرائیل در فلسطین در سال ۱۹۶۷ را به شیوه‌ای بسیار لطیف و جذاب روایت کرده است. به گونه‌ای که خوانندگان کتاب را در جریان برخی اتفاقات و حوادثی که آوارگان فلسطینی و مردم این کشور با آن روبه‌رو بوده‌اند، قرار می‌دهد.

دایره‌المعارف مصور تاریخ فلسطین



■ حامد کفاش، امیر
منصوری و زهرا یگانه
■ انتشارات سایان
■ ۳۶۷ صفحه

در این کتاب با متن‌هایی روان همراه با تصویر نقشه و نمودار با تاریخ فلسطین از روزهای دور، آشنا خواهید شد. تاریخ قدس را باید از ابتدا خواند، از روزهای دور، از دوران باستان. تنها در این صورت است که مخاطب به اهمیت این شهر و این سرزمین پی می‌برد و وقایع کنونی را نیز بهتر درک می‌کند. این کتاب از نوع دایره‌المعارف‌های معمول با مدخل‌های الفبایی نیست، بلکه بر اساس نظم زمانی تدوین شده است.

تا فراموش نشوی



■ خاطرات رانده‌شدگان
سرزمین فلسطین
■ گردآوری:
مؤسسه فرهنگی هنری
خبرگزاری قدس
■ انتشارات سروش
■ ۱۸۴ صفحه

«تا فراموش نشوی» در بردارنده مصاحبه و گفت‌وگو با فرزندان فلسطین است؛ فرزندان که اغلب آن‌ها در سال ۱۹۴۸ و در «روز نکبت» با خدعه، تزویر، ترور و ایجاد وحشت و ترندهای گوناگون نظامی و سیاسی و ضعف و انفعال دولت‌ها و ارتش‌های عربی، از سرزمین آبا و اجدادی خود اخراج و آواره شدند و در نقاط مختلف داخل یا خارج فلسطین، اردوگاه‌نشین و جیره‌خوار سازمان ملل گشته‌اند. مطالعه این کتاب شایعات ساخته و پرداخته سرویس‌های صهیونیسم را خنثی می‌کند.

در کتاب می‌خوانیم که نقش مئیر عزری بسیار بیشتر از یک نماینده دیپلماتیک است و در بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی حضور دارد. در واقع این ابهام به این علت است که حساسیت مردم ایران و ملل مسلمان نسبت به اشغال فلسطین بسیار بالا بود و این خیانت پهلوی‌ها و ارتباطی که به‌صورت پنهان با صهیونیست‌ها برقرار کردند کاملاً به دور از چشم مردم بود. با این وجود مئیر عزری با عنوان سفیر به ایران می‌آید ولی چون قرار نیست رابطه برقرار باشد او تحت پوشش به ایران می‌آید. چون محمدرضا پهلوی از افکار عمومی جهان اسلام به شدت می‌ترسید و نگران بود که در میان حکومت‌های دست‌نشانده خاورمیانه اولین خائن نباشد، بنابراین ملاحظات جدی به عمل می‌آید که هویت مئیر عزری و سفارت اسرائیل در ایران بر کسی آشکار نشود ولی به تدریج این هویت معلوم می‌شود. نقش مئیر عزری در ایران بسیار پیچیده بود و خود محمدرضا پهلوی نیز نسبت به این موضوع سردرگم بود. مئیر عزری در بخشی از خاطراتش می‌نویسد: «آغاز سال ۱۹۶۰ سرآغاز دورانی است که دیدارهایم با شاهنشاه ایران نه با نام همراه، بلکه با نام نماینده، فرستاده یا سفیر اسرائیل در ایران انجام شده است... شاه پرسید با چه کسانی در ایران دیدار داشته‌ام و کدام را برتر یافته‌ام و ناگهان گفت: راستی چه کسی شما را به این جا فرستاده؟ پاسخ دادم: کاستی‌های آزرانده‌ای که در دوستی و پیوند دو ملت ایران و اسرائیل به چشم می‌خورد بی آن که دستور روز سران اسرائیل باشد به پیشنهاد نخست‌وزیر بن‌گوریون و موافقت وزیر خارجه گلدامئیر... شاه پرسید: آن‌ها از شما خواسته‌اند در این جا چه بکنید؟ شگفتی‌ام را از این پرسش در خود فرو بردم و در پاسخ، فشرده‌ای از دوره پیش از رفتنم به اسرائیل و بازگشتم به ایران را گفتم و افزودم: بن‌گوریون نخست‌وزیر اسرائیل به من گفته است در ایران هر کاری که می‌کنم باید بدانم که به سود کشور و مردم ایران باشد». سؤال‌ها و جواب‌های رد و بدل شده در این ملاقات به خوبی مشخص می‌سازند که نگاه شاه به عزری به‌عنوان یک دیپلمات و سفیری عادی نیست زیرا از یک سفیر اعزام شده هرگز سؤال نمی‌شود چه کسی او را فرستاده و چه نوع مأموریتی را در دستور کار خود دارد.



خاطرات مئیر عزری
به کوشش: غلامرضا
امامی
انتشارات علم
۹۶۷ صفحه

است. سلیمی‌نمین معتقد است دروغ‌های تاریخی سفیر اسرائیل در ایران باید پاسخ داده شود زیرا از نظر او بزرگ‌ترین جنایت اسرائیلی‌ها در ایران جعل تاریخ سرزمین‌مان بوده است. به اعتقاد سلیمی‌نمین یهودیان برای ایرانیان تاریخ باستان ۲۵۰۰ ساله بر مبنای پیوند با یهودیت را تدوین کرده بودند. صهیونیست‌ها بر همین اساس محمدرضا پهلوی را تشویق کردند که جشن‌های ۲۵۰۰ ساله را برای تثبیت تاریخ مشترک یهودی-ایرانی برگزار کند. این طراحی تاریخی از یک سو باستان‌گرایی ایرانی را با یهودیت پیوند می‌داد و از سوی دیگر ورود اسلام به ایران را همراه با نابودی کتاب‌خانه‌ها و به‌طور کلی مظاهر تمدن این سرزمین تبلیغ می‌کرد. بنابراین روشن فکر ایرانی بی‌اطلاع از اسلام و تاریخ، از یک سو از اسلام کینه به دل می‌گرفت و از دیگر سو احساس پیوند با یهود می‌نمود، البته یهودیتی که صهیونیست‌ها آن را نمایندگی می‌کردند. اگر ایرانی علاقه‌مند به اطلاع از تاریخ، استر را از طریق تورات که مستندترین تاریخ یهود است می‌شناخت هرگز صهیونیست‌ها نمی‌توانستند استر را مبنای تاریخ ما قرار دهند. دست‌کم این سؤال برای این طیف می‌بایست مطرح می‌شد که اگر بنا بر باستان‌گرایی است با توجه به سابقه تمدنی ۸۰۰۰ تا ۹۰۰۰ ساله فلات ایران - همان‌گونه که عزری نیز در خاطرات خود به آن اشاره دارد - چرا صهیونیست‌ها علاوه بر تاریخ‌سازی، محمدرضا پهلوی را تشویق کردند که جشن‌های ۲۵۰۰ ساله را برای تثبیت تاریخ مشترک یهودی-ایرانی برگزار کند؟ آن‌گونه که در عهد عتیق (تورات) در بخش «کتاب استر» آمده است خشایارشا با تحریک این معشوقه یهودی‌اش به کشتار کم‌نظیری در فلات ایران دست می‌زند. کشتار مزبور بیان‌گر این واقعیت تاریخی است که ساکنان فلات ایران هرگز حاضر به پذیرش سلطه یهودیان بر خود نبوده‌اند، لذا با طرح‌ریزی مردخای - وزیر وقت یهودی خشایارشا - کوچک و بزرگ را در چندین شهر از دم تیغ می‌گذرانند. یکی از ابهاماتی که در «خاطرات مئیر عزری» وجود دارد نقش و عنوان او در ایران است. در ابتدای کتاب عزری اشاره می‌کند به‌عنوان نماینده اسرائیل وارد ایران می‌شود ولی در ادامه می‌آید که عزری برای ورود به ایران یک کارت روزنامه‌نگاری از دولت اسرائیل می‌گیرد تا به‌عنوان روزنامه‌نگار وارد ایران شود و بعد

پیدا و پنهان

■ غلامرضا امامی / نویسنده و پژوهش‌گر

ما از برون در شده مغرور صد فریب

تا خود درون پرده چه تدبیر می‌کنند
حافظ

چند سال پیش دوستی که از شوق من به فلسطین و تاریخ کهن این دیار آگاهی داشت، کتاب یادهای مئیر عزری، سفیر فلسطین اشغالی در دوران حکومت محمدرضا پهلوی را برایم فرستاد. مئیر عزری نویسنده این کتاب نزدیک ۲۰ سال سمت سفیری در ایران را داشت.

هر چند نه به قامت رسمی اما در خانه قوام‌السلطنه در خیابان کاخ سابق و فلسطین فعلی دفتر سفارت را گشود و آن چنان که خود نوشته است: «دفتر سفارت اسرائیل در تهران آماده بهره‌برداری گشت. بخش‌های کنسولی، وابستگان نظامی، اقتصادی، کشاورزی و... دایر شد». (صفحه ۱۸۵ خاطرات مئیر عزری - تهران، نشر علم - ۱۳۹۳) این مرکز «آرام آرام جایگاه شایسته و امنی برای بررسی بیشتر رویدادهای خاورمیانه شد؛ جایی برای دادوستد، آگاهی‌های پشت‌پرده و

دانسته‌های ناشنوده و سرانجام راهگشای فرودفرزهای فردا». (همان، صفحه ۱۸۷) هر چند پرچمی بر بام این بنا افراشته نشد اما به نوشته مئیر عزری «هر راننده تاکسی به هر مسافر یا بازدیدکننده‌ای که بخواهد به سفارتخانه اسرائیل برود بی‌گفت‌وگویی او را به آن ساختمان می‌برد». مئیر عزری نخست کوشید میان سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی دو سرزمین پیوندی پایدار برقرار سازد. به نوشته او «موساد و ساواک به پیوندی پنهانی دست یافته بودند که گزارش کارکردهای آن پی‌درپی به شاه می‌رسید». (همان، صفحه ۱۱۱) از آن پس در همه زمینه‌ها این پیوند آنچنان که در کتاب آمده، گسترش یافت؛ در زمینه‌های امنیتی، سیاسی، نظامی، بازرگانی، کشاورزی، فرهنگی و... مئیر عزری زاده اصفهان است و در خاندانی یهودی زاده شد اما در سال ۱۹۵۰ همراه خانواده‌اش به ایفا کوچ کرد و پس از بازگشت به تهران زمینه اعزام بسیاری از یهودیان ایرانی تبار را به اسرائیل فراهم ساخت.

خواندنی‌ترین بخش این کتاب دیدارهای پنهانی مئیر عزری با محمدرضا پهلوی است. دیدارهایش با دیگر سیاستمداران، نظامیان، دانشگاهیان، هنرمندان، روزنامه‌نگاران و نویسندگان نیز روایتی خواندنی و شگفت است. مئیر عزری در این کتاب از سفرهای پنهانی چهره‌هایی چون موشه دایان به تهران و دیدار او با سیاستمداران ایرانی پرده برمی‌دارد و نیز از دیدار بسیاری چهره‌های شناخته‌شده ایرانی از فلسطین اشغالی.

